



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ۸، ش ۵ (پیاپی ۴۰)، آذر و دی ۱۳۹۶، صص ۱۳۹-۱۵۸

توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرازبانی وکلا جهت اقتناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری (زبان‌شناسی حقوقی)

عظیمه زائری^۱، فردوس آفاکل‌زاده^۲، حیات عامری^۳

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۵/۵/۳۱

پذیرش: ۹۵/۷/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر به یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی حقوقی به نام «زبان و کلام دادگاه» تعلق دارد که هدف اصلی این نوشتار، کاربرد دانش و راهبردهای کاربردشناسی زبان در گفتمان حقوقی برای بررسی انواع شیوه‌های اقتناع وکلا، در دادگاه‌های کیفری ایران، به‌منظور متقاعد نمودن قضات است که به روش میدانی صورت پذیرفته است. داده‌های پژوهش از ۲۰ جلسه علنی دادگاه شهر شیراز جمع‌آوری شده است که درمجموع شامل ۲۱۱۲ جمله است که از این میان، ۶۵۴ جمله متعلق به وکلای مدافع و ۳۵۱ جمله مربوط به قضات بوده که در این پژوهش مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. این نوشتار با روش تحلیلی-توصیفی درصد پاسخگویی به این سؤال است: چگونه کنش‌گران از دانش زبان‌شناختی (نحو، معناشناسی، کاربردشناختی و ...) و نیز فرازبانی برای دستیابی به هدف اقتناع یکدیگر بهره می‌گیرند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وکلا از شیوه‌های زبانی تبصره‌های قانونی و از راهبردهای کاربردشناسی، حذف، اظهار، نام‌دهی، تأکید بر پشیمانی، انکار جرم متهم بهره می‌برند و همچنین بر شیوه‌های فرازبانی در گفتمان دادگاه، در حوزه زبان‌شناسی حقوقی به‌منظور اقتناع قاضی تأکید می‌ورزند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان حقوقی، اقتناع، وکیل، قاضی، شیوه‌های زبانی و فرازبانی.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی^۱، شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی و حقوق است که در چند سال اخیر، به‌ویژه از سال ۱۹۹۷، در محافل زبان‌شناسی و حقوق آمریکا و اروپا نضج گرفته، از آن زمان، زبان‌شناسان از آن در ارائه اسناد و شهادت در دادگاه‌ها، به‌منظور کشف حقایق و قضاوت دقیق‌تر بهره می‌جویند و این همکاری روزبه‌روز رو به گسترش است (نک. آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۱). ازجمله مباحث چشمگیر در حوزه تحلیل گفتمان و به‌ویژه، تحلیل گفتمان انتقادی بحث بهره از دانش زبان‌شناسی و کاربردشناسی زبان، اعم از شیوه‌های زبانی و فرازبانی در اقناع است. هر انسانی بدون استثنا در شرایطی ناچار به تحمیل نظر و عقیده خود به دیگران می‌شود؛ مؤثرترین راه برای رسیدن به این هدف، اقناع طرف مقابل است. در برخی جوامع، مراجع قضایی از یافته‌های زبان‌شناسان در کشف حقایق و بررسی صحت و سقم گفته‌ها در پرونده‌های خود بهره می‌گیرند؛ اما در کشور ما هنوز جایگاهی ندارد (نک. همان: ۴۷).

این پژوهش در چهارچوب سه الگوی نظریه ون‌لیوون (۱۹۹۶)، هاج و کرس (۱۹۹۶) و هاوولد و همکاران (۱۹۵۳)، به بررسی شیوه‌های فرآیند اقناع در صحبت‌ها و دفاعیات وکلای مدافع در مقابل قضاوت می‌پردازد. مسئله تحقیق حاضر، به‌طور مشخص این است که یافته‌های دانش زبان‌شناسی و کاربردشناسی که می‌توانند در کشف حقایق، آن هم در گفتمان دادگاه با فرهنگ بومی ایران، نقش ایفا کنند، کدامند؟ هدف این تحقیق کشف و توصیف این راهبردها و شیوه‌ها به منظور حل یا پاسخگویی به مسئله بالا است. بیاناتی که در دادگاه‌ها ادا می‌شوند، چه از سوی وکلا و چه قضات، شکلی از ارتباطات است که قصد و هدف آن، اقناع مخاطبان برای انجام اقدامات است. از لحاظ روش، تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی و جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی با مراجعه به دادگاه کیفری و ضبط صدای وکلا و قضات حاضر در جلسه دادگاه و سپس پیاده‌سازی و تحلیل گفتار آن‌ها روی کاغذ است.

۲. پیشینه پژوهش

طی سال‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی در مورد پرسش و پاسخ در دادگاه‌ها در کشور ما انجام شده است که نه‌تنها یافته‌های زبان‌شناسان در دادگاه‌ها و محافل قضایی به کار برده

شده، بلکه تحقیقات وسیعی به منظور تعمق و گسترش این رشته صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالات متعددی نیز به چاپ رسیده است؛ برای نمونه: آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «زبان‌شناسی قضایی (قانونی)، رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی»، بدین موضوع پرداخته است. همچنین آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) در کتاب *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*، به بررسی رابطه‌ای که میان حقوق و زبان‌شناسی وجود دارد و این‌که زبان‌شناسان تا چه اندازه می‌توانند در دادگاه‌ها و کشف جرایم نقش داشته باشند، به تفصیل پرداخته شده است. اهمیت پژوهش‌های ذکرشده از باب بررسی زبان‌شناسی حقوقی است که از این لحاظ، قرابتی نسبی با پژوهش حاضر دارد. از دیگر پژوهشگران این مقوله، داوودی (۱۳۹۲) است که در پژوهشی با عنوان «شیوه‌های اقناع» به بررسی درک ضرب‌المثل‌های فارسی در نوجوانان یک‌زبانه و دوزبانه: تحلیل مقایسه‌ای عملکرد بر پایه مدل اقناع محدودیت، پرداخته است. صفحی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به «بررسی نقش جملات پرسشی در جهت اقناع مشتری در فروشگاه‌های شهر شیراز» پرداخته است. درواقع پژوهش صفحی به لحاظ پرداختن به موضوع «اقناع»، دارای تنها وجه شباهت با پژوهش حاضر است. آسیایی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی *فرآیند اقناع در سخنرانی‌های کاندیداهای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران (نگاه موردی به دکتر حسن روحانی)* پرداخته است؛ اگرچه پژوهش آسیایی به مبحث اقناع پرداخته، ولی مانند بسیاری از تحقیقات انجام‌شده در این حیطه، در روش پژوهش و نیز بسیاری دیگر از زمینه‌های مورد بررسی در تحقیق حاضر، دارای تفاوت بنیادی است. رهبر و دیگران (۱۳۹۱) نیز رابطه جنسیت و قطع کلام را با رویکرد تسلط بررسی کرده‌اند. آن‌ها تنها به تحلیل کمی بسنده نموده، رویکرد تسلط را ناکارآمد دانسته‌اند و درواقع، به بررسی بحث قطع کلام بر متغیر جنسیت تأکید ورزیده‌اند و سایر متغیرهای موجود در پژوهش حاضر را مورد بررسی قرار نداده‌اند. آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای شیوه بازنمایی کنش‌گران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی را طبق الگوی ون‌لیوون (۲۰۰۸) مورد مطالعه تطبیقی قرار داده‌اند. در پژوهشی، اسدی و همکاران (۱۳۹۴) مؤلفه‌های زبان‌شناختی و شیوه بازنمایی کنش‌گران را در متون خبری بررسی کرده، به انعکاس جهان‌بینی حاکم بر ذهن نویسندگان با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ون‌لیوون اشاره می‌کنند. آنچه این دو تحقیق اخیر را در زمره پژوهش‌های مطرح‌شده، به‌عنوان پیشینه‌ای از

جستار حاضر قرار می‌دهد، صرفاً بررسی زبان‌شناسی حقوقی است که به‌جز این مورد، در سایر موارد از قبیل روش تحقیق، چهارچوب نظری با پژوهش حاضر، تفاوت بنیادی دارند. گفتنی است در بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه فرآیند «اقتناع» صورت گرفته است، به بررسی دانش زبان‌شناسی و راهبردهای کاربردشناسی در دادگاه‌ها به تفصیل پرداخته نشده است و همچنین متون حقوقی و پرسش و پاسخ در دادگاه‌ها را به‌طور دقیق مورد بررسی قرار نداده‌اند. بنابراین انجام این پژوهش که به بررسی فرآیند اقتناع در دادگاه‌ها- آن‌هم در فرهنگ گفتمان دادگاه ایران، به‌صورت میدانی، نه نظری- می‌پردازد، دارای نوآوری است؛ در ضمن روش‌های اقتناع قاضی توسط وکیل را مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد و به دلیل پیوند میان تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی حقوقی و فرآیند اقتناع در یک پژوهش جامع، دارای نوآوری است.

۳. مبانی نظری پژوهش

در این بخش از تحقیق حاضر، به بیان مطالبی در خصوص مبانی نظری پژوهش خواهیم پرداخت. همچنین می‌کوشیم تمامی اصطلاحات و واژه‌های کاربردشناختی و معناشناختی را که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در طول پژوهش به آن‌ها نیازمند خواهیم بود، تعریف کنیم. برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از الگوهای زیر بهره خواهیم گرفت.

۳-۱. الگوی تحلیل گفتمان هاج و کرس و الگوی تحلیلی هاوَلند

تحلیل ساختارهای گفتمان‌مدار براساس چهارچوب هاج و کرس (۱۹۹۶) از چهار جز اصلی تشکیل شده است:

۱. نام‌دهی^۲؛ ۲. اسم‌سازی^۳؛ ۳. جملات مجهول در مقابل معلوم؛ ۴. جملات کنشی در مقابل جملات نسبی^۴ (رشیدی، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۱۸).

علاوه بر راهبردهای بالا، راهبردهای دیگری نیز به‌منظور اقتناع و شیوہ‌های آن تعریف کرده‌اند که عبارتند از:

۱. تبلیغ: یکی از فنون مورد استفاده به‌منظور اقتناع است؛

۲. تلقین: نوعی متقاعدسازی ناهوشیارانه و ناآگاهانه است و از شیوه‌های رایج اقناع محسوب می‌شود.

۳. تقلید^۱: در این روش، اقناع‌گران در پیام‌های اقناعی خود مخاطبین را به این شیوه فرا می‌خوانند.

۴. تصویرسازی: اقناع‌گران، گاهی برای اقناع مخاطبین خود، دست به تصویرسازی می‌زنند. مدل اقناع هاولند و همکارانش (۱۹۵۳)، متقاعدسازی و تغییر نگرش است. آنان حاصل یافته‌های خود را در اثری تحت عنوان «ارتباطات و متقاعدسازی» منتشر کردند. براساس مدل اقناع هاولند، متقاعدسازی طی شش مرحله اساسی صورت می‌گیرد که عبارتند از:

۱. در معرض^۲ پیام قرار گرفتن؛ ۲. توجه به پیام؛ ۳. درک پیام؛ ۴. پذیرش نتیجه‌گیری مربوط به پیام؛ ۵. یادآوری نگرش جدید؛ ۶. تبدیل نگرش به رفتار (زیمباردو لپ، ۱۹۹۱: ۸).

۲-۳. حذف و اظهار

مجموعه‌ای از تعدادی مؤلفه گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی است که در ذیل به اختصار معرفی می‌شوند. پیش از پرداختن به این مؤلفه‌ها گفتنی است منظور از کارگزاران اجتماعی، مجموعه افرادی است که در یک واقعه، کنش اجتماعی و یک گفتمان، حضور و مشارکت دارند. ون‌لیوون^۸ در آثار متعدد (۱۹۹۶ & ۱۹۹۳) به معرفی انگاره پیشنهادی خود به منظور بازنمایی کنش‌گران اجتماعی^۹ پرداخته است. الگوی پیشنهادی ون‌لیوون دارای زیرمجموعه‌ها و دسته‌بندی‌های متعدد و متنوعی است؛ وی در الگوی خود به جای اصطلاح «مشارکین گفتمان»^{۱۰} از ترکیب «کنش‌گران اجتماعی» استفاده می‌کند که با رویکرد کلی این پژوهشگر که حالتی جامعه‌شناختی - معنایی دارد، همسوتر است. الگوی ون‌لیوون در سطح نخست به دو مؤلفه حذف^{۱۱} و اظهار^{۱۲} تقسیم می‌شود. منظور از حذف در گفتمان، فرآیندی است که در آن، نشانگر اجتماعی از گفتمان، حذف و به دو زیربخش پنهان‌سازی و کمرنگ‌سازی^{۱۳} تقسیم می‌شود. در فرآیند پنهان‌سازی با حذف کامل کنش‌گران اجتماعی و فعالیت‌های آن‌ها روبه‌رو هستیم که ون‌لیوون آن را «حذف افراطی» می‌نامد. اگرچه در کمرنگ‌سازی کنش‌گر گفتمان حذف می‌شود،

کنش‌ها و ردپایش در متن قابل بازیابی است و می‌توان به‌گونه‌ای تلویحی به حضور او پی برد. همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، اقتناع چهارچوب خاصی ندارد؛ بنابراین الگوهایی که بیشتر در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند، شامل حذف و اظهار، نام‌دهی، پنهان‌سازی، اسم‌سازی و کاربرد جملات مجهول در برابر معلوم است که بر گرفته از چهارچوب هاج و کرس^{۱۴} (۱۹۹۶) و نلیوون (۲۰۰۸) است که ناظر مشترک هر دو نظریه، به عنوان موارد تحت بررسی در تحقیق انتخاب شده‌اند. همچنین از برخی ملاک‌های الگوهای هاولند، برای ارزیابی و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است.

۳-۳. کنش‌های گفتاری

آستین و سرل در زمینه کنش گفتار، مفاهیم فراوانی را بیان کرده‌اند. از نظر آستین، کنش گفتار، یعنی پاره‌گفتارِ معناداری که به آن کنش بیانی گفته می‌شود؛ این پاره‌گفتار بامعنی دارای بار قراردادی است که به آن کنش غیر بیانی گفته می‌شود و این جمله بامعنی به بعضی از امور غیر قراردادی، بار قراردادی می‌دهد که آن را کنش پس‌بیانی می‌نامد (آستین، ۱۹۷۰: ۵۳) و میان سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام سخن گفتن اعمال می‌کند، تمایز قائل می‌شود:

الف. کنش بیانی^{۱۵}؛

ب. کنش منظورشناختی یا کنش کاربردشناختی^{۱۶}؛

ج. کنش تأثیری^{۱۷}.

در سطح اول، گوینده واژه‌هایی را اظهار می‌کند که معنای خاصی دارند. در سطح دوم، گوینده واژه‌ها را برای افاده بار خاصی به کار می‌گیرد و در سطح سوم، گوینده با اظهار عبارت‌های زبانی در مخاطب خود، عکس‌العمل و تأثیری پدید می‌آورد. فردی به مخاطب می‌گوید: «کتاب را کنار بگذار»؛ گوینده در اظهار این جمله، نخست واژه‌های معناداری اظهار کرده است؛ یعنی فعلی انجام داده است که آستین آن را به «کنش بیانی» واژه‌های معنادار تعبیر می‌کند. بار معنایی این جمله، امری است؛ به گونه‌ای که نفس اظهار جمله - البته با قیود و شروطی - به معنای انجام کنش گفتاری امری است. آستین این کنش را به کنش غیر بیانی تعبیر می‌کند. حال اگر جمله یادشده مخاطب را وادار کند که کتاب را کنار بگذارد، گوینده فعل سومی نیز انجام داده است که عبارت است از تأثیری که بر مخاطب گذاشته که این تأثیر از سخن او

ناشی شده است. آستین این تأثیر را کنش پس‌بیانی نامیده است. محور تحلیل در نظریه کنش گفتاری، کنش غیر بیانی است نه کنش پس‌بیانی. از این جهت تمایز میان کنش غیر بیانی و کنش پس‌بیانی، همچنین شروط تحقق کنش گفتاری بسیار مهم هستند (آستین، ۱۹۷۰: ۷۶، ۵۲، ۱۴۸). آستین تقسیم‌بندی دیگری از کنش‌ها نیز دارد که این تقسیم‌بندی بر مبنای ساختاری یا دستوری است که عبارت‌اند از کنش مستقیم و غیر مستقیم که در ادامه، به تعریف هر کدام می‌پردازیم. یکی از مفاهیمی که بررسی آن برای مطالعه امر تبلیغات مهم است، مفهوم بیان غیر مستقیم است که در زیرمجموعه نظریه کنش‌های گفتاری می‌گنجد. بنابراین، هرگاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم می‌نامند و هرگاه ارتباط بین ساختار و کارکرد، غیر مستقیم باشد، آن را کنش گفتاری غیر مستقیم می‌نامند (یول ۱۹۹۶: ۵۴-۵۶).

۳-۴. پیش‌انگاشت^{۱۸}

پیش‌انگاشت عبارت از موضوعی است که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای پاره‌گفت، حقیقت دارد؛ بر این اساس، این گوینده است که پیش‌انگاشت دارد نه جمله. درواقع پیش‌انگاشت، یکی از انواع روابط معنایی در سطح جملات زبان است. این امکان وجود دارد که برحسب اطلاعات موجود درون یک جمله بتوان به اطلاعات دیگری دست یافت. در چنین شرایطی، یک جمله می‌تواند پیش‌زمینه اطلاعاتی باشد که در جمله‌ای دیگر آمده است (نک. یول، ۱۳۸۳: ۴۰-۴۱).

۳-۵. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی- توصیفی بوده و روش انجام کار و جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش میدانی به روش مستقیم (چهره‌به‌چهره) و ثبت مکالماتی است که در گفتمان دادگاه، یعنی جلسه دادگاه در تعامل بین مشارکان صورت گرفته است. داده‌های گردآوری‌شده، پیکره زبانی پژوهش را تشکیل می‌دهند. واحد تحلیل پژوهش حاضر را مکالمات میان وکلا و قضات حاضر در جلسات علنی دادگاه رسیدگی به شکایات شهر شیراز تشکیل می‌دهند که با حضور محقق در ۲۰ جلسه علنی دادگاه ثبت شده است که شامل ۲۱۱۲ جمله می‌باشد. همه نمونه‌های عوامل فرازبانی،

اعم از رفتارها، حرکات، اشارات و حرکات همراه با گفتار، لحن سخن، شیوه بیان و... مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ چراکه همه این موارد به کمک هم در اقتناع و ایجاد شیوه‌های اقتناع مؤثر هستند.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. شیوه‌های زبانی وکلا برای اقتناع قضات در دادگاه‌ها

برای بررسی شیوه‌های زبانی وکلا به منظور اقتناع قاضی در دادگاه، ۶۵۴ جمله از مکالمات مشارکان گفتمان دادگاه در جلسات دادرسی، شناسایی و استخراج گردید و مورد تحلیل قرار گرفت که به دلیل محدودیت صفحات مقاله فقط نمونه‌هایی از آن به شرح ذیل ذکر خواهد شد:

۴-۱-۱. اظهار/ نام‌دهی/ عنوان‌دهی

استفاده و کاربرد نام‌ها برای انسان، اشیاء و حوادث، دیدگاه خاصی را منعکس می‌کند که محتوای مثبت یا منفی را دربردارد و باعث می‌شود در مخاطب تأثیری خوب و یا بد نسبت به شخص یا رویدادی خاص ایجاد نماید. به علاوه، گوینده می‌تواند از این طریق تأثیر و اهمیت کسی یا چیزی را کاهش یا افزایش دهد که از میان ۶۵۶ جمله استفاده شده توسط وکلا، در ۴۸ مورد از نام‌دهی، عنوان‌دهی که نوعی کنش گفتمانی اظهار محسوب می‌گردد، استفاده شده است که در ادامه به برخی موارد آن اشاره شده است.

وکیل: آن‌گونه که از شواهد پرونده مشخص است، اظهارات شاکی دروغ است. (نامبرده و برادرش).

وکیل پرونده با استفاده از شواهد حسی خود قصد تأثیرگذاری بیشتر بر روی قاضی دارد و همچنین به لحاظ کاربردشناسی، جملات وکیل دارای کنش منظوری است؛ زیرا وکیل با بیان این جملات برای قاضی، قصد توضیح و روشن‌سازی بیشتر ماجرا را دارد. پس با بیان این‌که «اظهارات شاکی دروغ است» قصد دارد قاضی را متوجه کند که باید تحقیقات بیشتری درباره اظهارات بیان شده توسط شاکی صورت پذیرد تا ماجرا برای خود قاضی نیز واضح‌تر شود و با کاربرد این‌گونه اصطلاحات قصد اقتناع قاضی را دارد.

وکیل: به دلیل ابراز ندامت و پشیمانی متهم از جرم خود، تقاضای تخفیف جرم با استناد به مواد ۳۷ و ۲۸ ناظر بر ماده ۹۱ از قانون... را دارم.

بُعد دستوری-واژگانی: وکیل جمله‌ای خبری را مطرح می‌کند که نشان‌دهنده احاطه و باور او بر اطلاعات است و به‌لحاظ کاربردشناسی، وکیل در دفاع از موکل خود سعی می‌کند که از مواد قانونی متفاوت بهره گیرد که این خود به‌طور ماهرانه‌ای باعث می‌شود تأثیر فراوانی بر قاضی ایجاد کند و درواقع این‌گونه جملات دارای نوعی کنش منظوری می‌باشند؛ زیرا جمله‌های ذکرشده توسط وکیل، دارای هیچ‌گونه الزامی در ظاهر نیستند، اما در متقاعدسازی مخاطب تأثیر بسزایی دارند.



نمودار ۱. نام دهی و عنوان دهی
Chart1. Titlization and nomination

در بررسی کنش گفتمانی اظهار و عنوان‌دهی وکلا در ۶۵۴ جمله و در ۲۰ جلسه دادگاه مورد بررسی، ۴۸ جمله یافت گردید که در آن‌ها وکیل با کاربرد کلماتی خاص، سعی در تغییر دادگاه قاضی نسبت به متهم می‌نماید که این جملات نگرشی مثبت یا منفی در ذهن قاضی ایجاد می‌کند و می‌تواند منجر به اقتناع قاضی گردد یا بیشترین تخفیف در مجازات متهم اعمال گردد که این میزان ۷/۳۳٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نمودار بالا مشخص شده است.

۲-۴. قبول جرم متهم و تأکید بر پشیمانی وی توسط وکیل مدافع

وکیل: مسلماً به دلیل ابراز ندامت و پشیمانی متهم از جرم خود، از دادگاه محترم تقاضای تخفیف در مجازات را خواهیم.

در این جمله وکیل قصد دارد با کاربرد کلمات تشدیدکننده از متهم دفاع کند و به‌لحاظ

کاربردشناسی، کاربرد واژه «دادگاه محترم» توسط وکیل به این دلیل است که وکیل قصد دارد که به قاضی نشان دهد که او برای دستگاه قضایی و شخص قاضی احترام قائل است و جایگاه‌ها را می‌داند و قصد دفاع کردن از موکلی را دارد که به‌اشتباه و به‌صورت غیر عمدی جرمی را مرتکب شده است و اکنون به جرم خود اقرار کرده و دانسته است که انجام این عمل در اجتماع، جرم محسوب می‌شود و ابراز ندامت و پشیمانی خود را اعلام کرده است. گفتنی است استفاده وکیل از واژه تشدیدکننده «مسلماً» درواقع، عامدانه است؛ زیرا او قصد جلب توجه و نظر قاضی را دارد تا او را قانع سازد.

وکیل: به دلیل همکاری متهم در جریان دادرسی پرونده برای دستگیری سایر مشارکین در جرم ...

وکیل در این پرونده با آوردن راهبرد متقاعدکننده، مستدل و دلایل کافی و بیان علت قصد دارد تا نگرش و دیدگاه قاضی را نسبت به متهم تغییر دهد. درواقع جمله اول وکیل پرونده مبنی بر این‌که متهم در جریان دادرسی پرونده با قاضی و مأموران پلیس همکاری لازم را به عمل آورده، دارای نوعی کنش منظوری است؛ وکیل قصد دارد قاضی را قانع سازد که متهم شخص محترمی است و این جرم را نیز به دلیل کم‌تجربگی مرتکب شده است و از قاضی می‌خواهد به دلیل این‌که متهم با ایشان همکاری لازم را به عمل آورده و قصد کمک به سیستم قضایی را داشته، به او در پروسه آزادی و تخفیف مجازات کمک شود تا بدین وسیله در حکمی که قرار است قاضی صادر کند، نفوذ نموده، تخفیفی در مجازات موکل خود بگیرد.

وکیل: کلاً با توجه به قبول اتهامات وارده از سوی موکلم مبنی بر ارتکاب جرم و پشیمانی ایشان از جرائم ارتكابی، تقاضای ...

به‌لحاظ کاربردشناسی در این مورد، باز هم وکیل متوسل به تغییر نگرش قاضی با استفاده از واژه تشدیدکننده «کلاً» می‌شود و درواقع، وکیل پرونده قصد دارد با استفاده از اصطلاحات خاص حقوقی که بیانگر اشراف او بر قوانین است- و دارای نوعی کنش منظوری است- قاضی را متقاعد سازد که متهم از جرم خود پشیمان شده است و به این واقعیت پی برده است که این عمل در جامعه، جرم محسوب می‌شود و خلاف قانون است و همچنین (وکیل) اظهار می‌کند که متهم برای دفاع از خود، از راهبرد تصدیق و تأیید استفاده کرده و اتهامات وارده به خود را قبول کرده است. بنابراین، وکیل پرونده از قاضی انتظار دارد که موکلش را به دلیل موارد ذکرشده در بالا، مورد

بخشش بیشتری قرار دهد که این جمله نیز با هدف اقناع قاضی بیان شده است.



نمودار ۲. قبول جرم متهم و تاکید بر پشیمانی وی

Chart2. Admission of the Accuseds Offence and Emphasis on His/ Her Remorse

در بررسی قبول جرم و ابراز پشیمانی در ۶۵۴ جمله در ۲۰ جلسه دادگاه مورد بررسی، ۸ جمله یافت گردید که این میزان ۱/۲۲٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نمودار بالا مشخص شده است.

۳-۱-۴. انکار جرم متهم توسط وکیل

وکیل: باتوجه به اتهامات قرائت شده در دادگاه، موکل من اصرار دارند که بی‌گناه هستند؛ لذا اگر دفاع مشروع را حقی طبیعی و شرعی بدانیم، مصادیقی بارزتر از این دفاع وجود ندارد.

در جمله بالا وکیل پرونده با جملات خبری واضح، اما دارای قدرت اقناع بالا که باعث ایجاد اعتماد در قاضی می‌شود، به شیوه‌ای غیر مستقیم سعی در جهت دادن نظر قاضی به هدف و منظور مورد نظر خود می‌نماید که به لحاظ کاربردشناسی، جمله‌های وکیل پرونده دارای نوعی کنش منظوری است؛ درحقیقت وکیل از روی قصد و منظوری خاص این‌گونه صحبت کرده است تا قاضی پرونده را متوجه این موضوع کند: اگرچه شما اتهاماتی را به متهم وارد کرده‌اید اما درواقع او هیچ‌کدام از این اتهامات را قبول نداشته است.

واقعیت امر این است که متهم از تکنیک مخالفت در دفاع خود استفاده کرده است و جرم را

قبول ندارد؛ وکیل پرونده نیز سعی دارد نگرش قاضی را نسبت به اتهامات وارده به متهم تغییر دهد و متهم را میرا از اتهامات مورد نظر بداند.

وکیل: موکل بنده بی‌گناه است و با توجه به ماده واحده [...] تقاضای آزادی ایشان را دارم. در نمونه بالا وکیل به لحاظ ساختاری جمله‌ای را به کار می‌گیرد که حاوی فعلی با ضمیر ملکی اول شخص و واژه «بنده» است که این خود، بیانگر توانایی وکیل در کاربرد درست ضمائر ملکی و شخصی به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر قاضی است. این امر که وکیل پرونده توانسته است بی‌گناهی موکلش را با استناد نمودن به مواد قانونی مرتبط اثبات کند، خود، نوعی کنش منظوری است؛ زیرا وکیل ماده قانونی را با هدف خاصی به قاضی یادآور می‌شود تا قاضی را تحت تأثیر قرار دهد که: «چرا با وجود این ماده قانونی باز هم متهم باید در زندان بماند؟» پس متهم با استناد به این ماده، حق آزادی دارد و می‌تواند با رضایت قاضی آزاد گردد و بدین‌گونه از حق موکل خود دفاع کرده، قاضی را قانع می‌سازد.



نمودار ۳. انکار جرم متهم توسط وکیل

Chart3. Denial of the Accuseds Offence by the Attorney

در بررسی انکار جرم توسط متهم در ۶۵۴ جمله در ۲۰ جلسه دادگاه مورد بررسی، ۱۶ جمله یافت گردید که در آن‌ها وکیل، متهم را میرا از جرم معرفی می‌نماید و سعی دارد شخص دیگری را متهم جلوه دهد که این میزان ۲/۴۴٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در

نمودار بالا مشخص شده است.

۴-۱-۴. کاربرد تبصره‌های قانونی

وکیل: در جهت اثبات ادعای متهم، تقاضای حضور چند شاهد عینی رو دارم.

وکیل پرونده به دلیل آگاهی و اشراف بر قوانین، عامدانه جمله‌ای را مطرح می‌کند که در صورت ظاهری آن هیچ الزامی وجود ندارد، ولی به‌طور ماهرانه‌ای باعث می‌شود تأثیر فراوانی بر قاضی اعمال کند؛ زیرا در بسیاری از موارد، متهمان شاهی برای اثبات سخنان خود ندارند و ادعای آنان در نزد قاضی رد می‌شود و بدین دلیل باعث ایجاد نوعی اطمینان خاطر در قاضی می‌شود. پس به‌لحاظ کاربردشناسی، وکیل با گفتن این جمله قصد و نیت خاصی دارد. درواقع، جمله بیان‌شده دارای نوعی کنش منظوری است. بدین دلیل که وکیل پرونده می‌خواهد با آوردن شاهدان عینی در دادگاه، بر صحبت‌های خود صحه بگذارد و دیدگاه قاضی را نسبت به پرونده تغییر دهد و با این شیوه، قاضی را قانع کند و از حق موکل خود دفاع کند.

وکیل: مسلماً با توجه به دو لایحه قبلی، درخواست تخفیف از بازداشت موقت به قرار سبک‌تر دارم.

به‌لحاظ کاربردشناسی، جمله بالا دارای نوعی کنش منظوری است؛ زیرا اشاره‌کردن وکیل به این قضیه که قبلاً دو لایحه ارائه داده است، نشانگر قصد القای این موضوع به قاضی است که دلایلی برای تخفیف در مجازات متهم نیز وجود داشته که قاضی به آن موارد توجهی نداشته است و درواقع، به‌صورت محترمانه، قصد اقناع قاضی را دارد و بنا به آن لایحه‌های قبلی درخواست تخفیف در مجازات متهم را می‌نماید و همچنین این نکته حائز اهمیت است که با کاربرد واژه «مسلماً» او می‌خواهد قاضی را تحت فشار قرار دهد که او بر قوانین اشراف دارد. در بسیاری از موارد، دفاع وکلا به‌صورت شفاهی و بیانی تأثیر بیشتری بر قاضی می‌گذارد که در این نمونه نیز علاوه بر دادن لایحه، وکیل به‌صورت شفاهی قصد اقناع قاضی را دارد.



نمودار ۴. کاربرد تبصره های قانونی

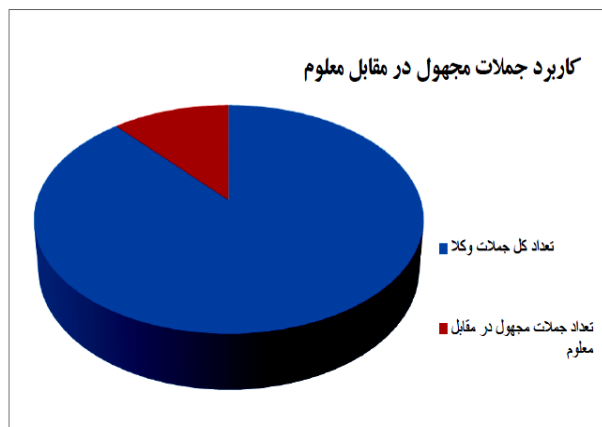
Chart4. Application of Legal Wavers and Notes

در بررسی کاربرد تبصره‌های قانونی در گفتار وکلا، ۶۵۴ جمله در ۲۰ جلسه دادگاه مورد بررسی قرار گرفت که از این میان، ۱۰۵ جمله یافت گردید که در آن‌ها وکلا با کاربرد تبصره‌های قانونی سعی نموده‌اند نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد کنند که می‌تواند منجر به اقناع قاضی گردد تا بیشترین تخفیف در مجازات متهم اعمال شود که این میزان ۵/۱۶٪ جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نمودار بالا مشخص شده است.

۵-۱-۴. حذف فاعل/ پنهان‌سازی/ جملات مجهول در مقابل معلوم

وکیل: علی‌فرض این‌که موتورسیکلت بر اثر لگدپرانی واژگون شده باشد که نشده، با وجود این، بجد عرض می‌شود که برخلاف نظر دادستان محترم در کیفرخواست صادره، عمل، نوعاً گُشنده تلقی نشده و نتیجه حاصله، قتل عمد محسوب نمی‌شود.

به‌لحاظ ساخت نحوی در جمله بالا، کنش‌گر حذف شده است و از جمله نمی‌توان حدس زد چه‌کسی این کار را انجام داده است و همچنین ذکر واژه احترام‌آمیز «دادستان محترم» معیار دیگری است که باعث تأثیرگذاری بیشتر بر قاضی می‌شود. همچنین وکیل با به کاربردن واژه‌های شواهد حسی همراه با شیوه‌شناختی، قصد القای نظر خود بر قاضی را دارد و می‌خواهد به‌صورت تلویحی، اعتماد قاضی را نسبت به گفته‌های خود بیشتر نماید.



نمودار ۵. کاربرد جملات مجهول در مقابل معلوم

Chart5. Application of Passive Sentences Against Active Sentences.

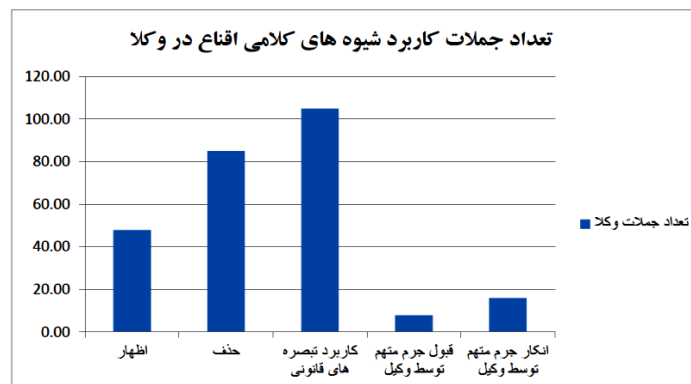
۶۵۴ جمله در ۲۰ جلسه دادگاه وکلا در در بررسی کنش گفتمانی حذف کنش‌گر و کنش‌پذیر مورد بررسی، ۸۵ جمله یافت گردید که در آن‌ها وکیل با کاربرد کلماتی خاص، به پنهان‌سازی فاعل، کنش‌گر و بیان کنش‌پذیر پرداخته است و سعی نموده با کمرنگ‌سازی اتفاقات و پنهان‌نمودن برخی واقعیات در دید قاضی نسبت به عمل روی‌داده، نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد کند که می‌تواند منجر به اقناع قاضی گردد تا بیشترین تخفیف در مجازات در متهم اعمال گردد و یا متهم از جرم خود تبرئه شود. همچنین وکیل با کاربرد جملات مجهول تا واقعیات اتفاق افتاده را کمرنگ‌تر جلوه دهد و مسیر دادرسی را از گفتار خود سعی نموده تمرکز بر واقعیات دور نماید؛ بدین دلیل از ساختار مجهول در گفتار خود بهره جسته است تا موجب کمرنگ‌تر شدن جرم مرتکب‌شده متهم در دیدگاه قاضی گردد تا بتواند وی را از اتهام مبرا داشته و یا در مجازات وی بیشترین تخفیف را دریافت نماید که این میزان ۱۲/۹۹٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نمودار بالا مشخص شده است.

۴-۲. نتایج اولیه کاربرد شیوه‌های کلامی وکلا

مطابق نتایج، در این بخش مشخص گردید که وکلا با پنهان‌سازی و حذف کنش‌گر و کنش‌پذیر

از جمله و تبدیل جمله معلوم به مجهول، سعی می‌کنند با کمرنگ‌سازی اتفاقات و پنهان‌سازی نمودن برخی واقعیات در دید قاضی نسبت به عمل روی داده، نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد کنند که می‌تواند منجر به اقناع قاضی گردد.

نتایج اولیه کاربرد شیوه‌های کلامی وکلا



نمودار ۶. تعداد جملات کاربرد شیوه های کلامی اقناع در وکلا

Chart 6. Primary Results of Verbal Persuasion Techniques Amongst Attorneys

مطابق یافته‌های پژوهش استفاده از تبصره‌های قانونی توسط وکلا با بیشترین کاربرد، (۱۰۵ مورد در جملات وکلا)، نقش مهمی در اقناع قاضی نسبت به متهم و جرم وی دارد؛ زیرا وکیل و قاضی هر دو افرادی آگاه به قانون و ضوابط قانونی هستند و دادگاه جایگاهی رسمی است که از طریق کاربرد قانون زودتر و بهتر می‌توان به اقناع قاضی پرداخت.

۳-۴. شیوه‌های غیر کلامی وکلا برای اقناع قضات در دادگاه‌ها

مطابق بررسی‌های انجام‌شده در تحقیق، مشخص گردید که در جلسات دادگاه، وکلا به‌ندرت از شیوه‌های غیر زبانی برای اقناع قاضی استفاده می‌کنند؛ چنان‌که چند مورد به‌ندرت در تحقیق یافت گردید که در حد بررسی و ذکر در این پژوهش نبود.

۵. نتیجه‌گیری

در راستای یافتن پاسخ به پرسش‌های پژوهش، تعامل و گفت‌وگو چهره‌به‌چهره میان وکیل و قضات، به‌منظور شناسایی و کشف و توصیف راهبردی زبان‌شناسی در چهارچوب زبان‌شناسی حقوقی بررسی شد و مشخص گردید که وکلا با استفاده از دانش کاربردشناسی و زبان‌شناسی در کاربرد شیوه‌های زبانی «اقتناع» برای قانع ساختن قاضی، با کاربرد کلماتی خاص، سعی در بی‌گناه جلوه‌دادن متهم از جرم ارتكابی دارند که این جملات نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به اقتناع قاضی گردد. همچنین در راهبرد دیگر از کاربردشناسی و دانش زبان‌شناسی، وکلا با پنهان‌سازی و حذف کنش‌گر و کنش‌پذیر از جمله و تبدیل جمله معلوم به مجهول، سعی می‌کنند با کمرنگ‌سازی و پنهان‌نمودن برخی واقعیات در دید قاضی نسبت به جرم روی‌داده، نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد کنند که می‌تواند منجر به اقتناع قاضی گردد. در راهبرد دیگری، وکلا با کاربرد تبصره‌های حقوقی درصدد اقتناع قاضی هستند. پس مطابق یافته‌های پژوهش، استفاده از تبصره‌های قانونی توسط وکلا با بیشترین کاربرد، ۱۰۵ مورد در جملات وکلا، نقش حایز اهمیتی در اقتناع قاضی نسبت به متهم و جرم وی دارد و در پایان، گفتنی است مطابق بررسی‌های انجام‌شده در تحقیق حاضر مشخص گردید که در جلسات دادگاه، وکلا به‌ندرت از شیوه غیر کلامی برای اقتناع قاضی بهره می‌گیرند؛ چنان‌که چند مورد به‌ندرت یافت گردید که در حد بررسی و ذکر در تحقیق نبود.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. forensic linguistics
2. nomination
3. nominalization
4. performative sentences versus attributive sentences
5. inculcation
6. imitation
7. exposure to message
8. T. Van leeuwen
9. social actor
10. participants
11. exclusion
12. inclusion

13. back grounding
14. R. Hodg & G. Kress
15. locutionary act
16. illocutionary act
17. perlocutionary act
18. presupposition

۷. منابع

- آسیایی، مریم (۱۳۹۳). *بررسی فرآیند اقناع در سخنرانی‌ها و مناظره‌های کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران (نگاه موردی به دکتر حسن روحانی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (قانونی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». *مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ----- (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- ----- (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*. چ ۲. تهران: نشر علم.
- ----- (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی شیوۀ بازنمایی کنش‌گران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون‌لیوون)». *جستارهای زبانی*. د ۴. ش ۱ (بهار) صص ۱-۱۹.
- اسدی، مسعود؛ ارسلان گلفام؛ فردوس آقاگل‌زاده و آریتا افراشی (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی- معنایی و بازنمایی کنش‌گران اجتماعی در متون مطبوعاتی». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۱. صص ۱-۲۴.
- داووی، گیتی (۱۳۹۲). «شیوہ‌های اقناع» مجله علمی- ترویجی *علوم اجتماعی و رسانه*. ش ۷۵. صص ۵۷-۸۷.
- رشیدی، ناصر (۱۳۹۱). «تحلیل لنتقادی گفتمان کتاب reders choice براساس چهارچوب هاچ و کراس». *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*. ش ۲۶. صص ۹۹-۱۱۸.
- رهبر، بهزاد و دیگران (۱۳۹۱). «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناختی زبان».

جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق). ش ۳. د ۴. صص ۱۳۵-۱۴۷.

- صفی، مولود (۱۳۹۲). «بررسی نقش جملات پرسشی در جهت اقناع مشتری در فروشگاه‌های شهر شیراز». *مجموعه مقالات دومین همایش آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی فارس*. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارس. صص ۷۴-۹۳.
- یول، جرج (۱۳۸۳). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده؛ مهدوی جو و منوچهر توانگر. تهران: سمت.

References:

- Aghagholzade, F. (2005). *Forensic Linguistics: A New Approach in Applied linguistics: A Collection of the First ,Iranian Linguistic Assembly Summit Articles*. Tehran: Allame Taba Tabaei University Publications [In Persian].
- ----- (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific and Cultural Publication Corporation [In Persian].
- ----- (2012). "Comparative study of Iranian and western representation techniques in Iranian Nuclear case in international media". (van lions 2008 model). *Linguistic Investigation Course*. No. 13, Pp. 1-19 [In Persian].
- ----- (2012). *Forensic linguistics* (Theoretical and applied), 2th edition. Tehran: Sience Publication. [In Persian].
- Asadi, M. et. al., (2015). "Linguistic and Sociologic Semantic Representation Components". *Language Related Research*. Vol. 6, No. 1, pp.1-24 [In Persian].
- Asiaei, M. (2014). *Investigation of Persuation Process in Speeches and Debates of Eleventh Presidential Election Candidate* (Case study of Dr. Hassan Rouhani). M.A Thesis in general linguistics ,Shiraz Azad university, Science and Research Branch [In Persian].
- Austin, J. L. (1970). *How to Do Things with Words*. oxford: oxford university

press.

- Brown, G. & G. Yule (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge:Cambridge University Press.
- Davari, G. (2013). "Persuation Techniques". *Social Science Promotion Scientific Journal*. No. 57, Pp. 78-75 [In Persian].
- Havland C. I. (1946). *Communication and Persuasion*. New Haven :Yale University Press.
- Havland, C. I.; A. A. Lumsdaine & F. D. Sheffield (1953). *Expriment on Mass Communication*. Princeton: Princeton University Press.
- Hodeg, R. & G. Kress (1996). *Languag as Ideology*. Great Britain :Red wood books.
- Moloud, S. (2013). Investigation of interrogative sentences role in persuation of costumers in shiraz city. Shops. A collection of second linguistics and Farsi leaching summit articles [In Persian].
- Rahbar, B. et. al. (2012). "The relationship between gender and conversation in terruption: sociologic study of language". *Linguist investigation Magazine*. No. 3 & 4, Pp. 135-147 [In Persian].
- Van leeuwen, T. (1996). "The Representation of Social actors". InC.R sm.coulthard (eds). *Text and Practices, Reading in CDA*. London: Routledge.
- Van leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford University Press.
- Yule, G. (1996). *The Study of Language* (2nd ed). uk: Cambridge University Press.
- ----- (2004). *Language Pragmatics*. Translated by: Amouzade Mohammad, Tavangar Manouchehr and, 2, Tehran SAMT [In Persian].
- Zimbardo, L. (1991). *On the Ethics of Intervention in Human Psychological Research with Specifc Reference to the Standford Prison Experiment* , Cohen, I.Manion.